

Classical Persian Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Biannual Journal, Vol. 13, No. 1, Spring and Summer 2022, 123-146
Doi: 10.30465/CPL.2022.5859

A Reflection on Kalamāt al-Sho ‘arā

Abbas Bagjani*

Seyyed Mohammad Sahebi**

Abstract

Kalamāt al-Sho‘arā is a biography of the Persian-speaking poets of India from the time of Nur-ud-din Jahangir to Aurangzeb Baburi, and is written by Mohammad Afzal, nicknamed as Sarkhosh, a poet and writer of the 11th-12th centuries. This book was first published in 1942 in Lahore, then in 1951 in Madras, and finally in 2010 by Alireza Qazveh in Tehran. To correct Kalamāt al-Sho‘arā, Qazveh utilized the previous editions of this book and its three manuscripts. In this article, the authors have compared the previous editions of this book with Qazveh’s correction and have come to the conclusion that Qazveh’s printing is superior to them in some respects. However, there are also relatively significant shortcomings and drawbacks in Qazveh’s correction, some of which have been explored from the following perspectives: incorrect forms (wrong words or phrases), variant copies (incomplete reporting, superiority over text, similarity to text, inconsistency with the text), and general and methodological defections (differences in recordings in the preface of

* Assistant Professor, Academy of Persian Language and Literature ,Tehran, Iran, (Corresponding author), abbas.bagjani@gmail.com

** Assistant Professor, Academy of Persian Language and Literature ,Tehran, Iran, mohammad_sahebi61@yahoo.com

Date received: 03/03/2022, Date of acceptance: 05/06/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۲۴ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

the corrector, movement and merging of sections, repetition, lack of comments and incomplete indexes).

Keywords: Kalamāt al-Sho‘arā, Mohammad Afzal Sarkhosh, Persian biographies of the 11th centuries, Correction of texts.

کهن‌نامهٔ ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصل‌نامهٔ علمی (مقالهٔ علمی - پژوهشی)، سال ۱۳، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۱۲۵ - ۱۴۶

تأملی در کلمات‌الشعرا

عباس بگ‌جانی*

سید محمد صاحبی**

چکیده

کلمات‌الشعرا، تذکرهٔ شاعران فارسی‌زبان هند در عهد نورالدین جهانگیر تا اورنگ‌زیب بابری، تألیف محمد افضل متخلص به سرخوش، شاعر و نویسندهٔ سده‌های ۱۱-۱۲ق، است. این کتاب اولین بار در سال ۱۹۴۲م در لاهور، سپس در سال ۱۹۵۱م در مدراس و آخرین بار در سال ۱۳۸۹ به تصحیح علی‌رضا قزوه در تهران منتشر شده است. قزوه در تصحیح کلمات‌الشعرا از دو چاپ قبلی و سه دستنویس آن بهره برده است. نگارندگان در این مقاله چاپ‌های پیشین این کتاب را با تصحیح قزوه مقابله کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که چاپ قزوه از برخی جهات نسبت به آن‌ها برتر است، اما کاستی‌ها و ایرادات نسبتاً چشمگیری هم در آن مشاهده می‌شود که شماری از آن‌ها از جنبه‌های ذیل بررسی شده‌اند: صورت‌های نادرست (کلمات یا عبارات مغلوط)، نسخه‌بدل‌ها (گزارش ناقص، برتری بر متن، همسانی با متن، ناهماهنگی با متن)، و اشکالات کلی و روش‌شناختی (تفاوت ضبط‌ها در مقدمهٔ مصحح، جابه‌جایی و آمیختگی بخش‌ها، تکرار، نداشتن تعلیقات و ناقص بودن نمایه‌ها).

کلیدواژه‌ها: کلمات‌الشعرا، محمد افضل سرخوش، تذکره‌های فارسی سدهٔ ۱۱ق، تصحیح متون.

* استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)، abbas.bagjani@gmail.com

** استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران، mohammad_sahebi61@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

محمد افضل متخلص به سرخوش (۱۰۵۰-۱۱۲۶/۱۱۲۷ق)، شاعر و نویسنده فارسی‌زبان، در کشمیر زاده شد و از کودکی شعر می‌گفت. در آغاز، برادرش خیرالدین محمد، متخلص به عجزی، تعلیم و تربیت او را بر عهده گرفت و به اصلاح اشعارش پرداخت. سپس نزد محمدعلی ماهر اکبرآبادی (م ۱۰۸۹ق) و منعم حکاک شیرازی به تحصیل در زمینه ادبیات پرداخت. مدتی هم در خدمت عبدالله‌خان زخمی بود و پس از مرگ او به دربار اورنگ‌زیب بایری پیوست و مناصبی دولتی به‌دست آورد. سرانجام در اواخر عمر به دهلی رفت و در همان‌جا درگذشت (درباره سرخوش رک. خوشگو، ۱۳۸۹: ۲۸۱؛ گوپاموی، ۱۳۸۷: ۳۹۸؛ بنارسی، ۱۳۸۴: ۱۵۵؛ نقوی، ۱۳۴۳: ۲۱۱؛ سرخوش، ۱۳۸۹: ۱۲-۲۴؛ صفا، ۱۳۷۸: ۱۳۷۳/۵).

از سرخوش آثار متعددی به نظم و نثر بر جای مانده‌است. از آثار منظوم او می‌توان به این موارد اشاره کرد: دیوان اشعار (چاپ ۱۹۱۷م در بمبئی؛ رک. مشار، ۱۳۴۰: ۶۳۷/۱)، ساقی‌نامه و تعریف خسرخانه هر دو در مدح همت‌خان (رک. سرخوش، ۱۳۸۹: ۶۲)، جنگ‌نامه محمداعظم‌شاه (رک. خوشگو، ۱۳۸۹: ۲۸۴)، و حسن و عشق درباره داستان عشق سسی‌بنون (رک. نقوی، ۱۳۴۳: ۲۱۴). مهم‌ترین آثار منثور او نیز عبارت‌اند از: رساله روائح که به شیوه لوائح جامی نوشته شده‌است و برخی از رباعیات سرخوش را نیز دربر دارد (رک. سرخوش، ۱۳۸۹: ۵۲)، و کلمات‌الشعرا.

کلمات‌الشعرا تذکره‌ای است درباره شاعران عهد نورالدین جهانگیر بایری (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ق) تا دوره اورنگ‌زیب عالمگیر بایری (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸ق). سرخوش این تذکره را در سال ۱۰۹۳ق نوشت، اما تا ۱۱۱۵ یا ۱۱۱۸ق بارها در آن بازنگری و دخل و تصرف کرد (سرخوش، ۱۳۸۹: ۱۹). تذکره به شیوه الفبایی مرتب شده است و شاعران آن اغلب از فارسی‌گویان هند یا سخنوران آن سرزمین‌اند که مؤلف با برخی از ایشان دیدار و مصاحبت داشته‌است و بخش عمده کتاب گزارش همین ملاقات‌هاست (همان: ۱۳). در این گزارش‌ها، که اغلب کوتاه و مختصر و گاه تنها یک جمله‌اند، سرخوش اطلاعات مهمی درباره سرایندگان به‌دست نمی‌دهد، بلکه معمولاً حکایات و خاطراتی راجع به ایشان نقل می‌کند (نقوی، ۱۳۴۳: ۲۱۶؛ سرخوش، ۱۳۸۹: ۲۴). او در بخش‌های مختلف کتاب به احوال و آثار خود اشاره می‌کند (سرخوش، ۱۳۸۹: ۱۶) و

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۲۷

در جای جای متن به خودستایی می‌پردازد (هاشمی سندیلوی، ۱۹۷۰م: ۶۵۶/۲) و به بهانه‌های گوناگون از سروده‌های خود شاهد می‌آورد (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۳۷/۲).

سرخوش پس از گزارش احوال هر شاعر، نمونه‌هایی، معمولاً تکبیت و رباعی، از اشعار او را نقل کرده‌است که برخی از آن‌ها از سفینه گلشن فطرت اثر معزالدین محم موسوی‌خان و منتخبات محمدعلی ماهر و میرمحمدزمان راسخ نقل شده‌اند (سرخوش، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

از جنبه نقد ادبی، صراحت لهجه و دید انتقادی از ویژگی‌های کلمات الشعرا است (سرخوش، ۱۳۸۹: ۲۲؛ نیز رک. هاشمی سندیلوی، ۱۹۷۰م: ۶۵۹/۲). سرخوش در برخی موارد به شیوه‌ای مستدل و منطقی از شعرا انتقاد کرده و در پاره‌ای قسمت‌ها اشعار ایشان را با یک‌دیگر مقایسه نموده‌است (نقوی، ۱۳۴۳: ۲۱۷).

کلمات الشعرا اولین بار در سال ۱۹۴۲م به کوشش صادق‌علی دلوری در لاهور، سپس در سال ۱۹۵۱م به همت محمدحسین محوی لکهنوی در مدراس و آخرین بار در سال ۱۳۸۹ به تصحیح علی‌رضا قزوه در تهران منتشر شد. قزوه در تصحیح خود از دو چاپ قبلی و سه دست‌نویس کلمات الشعرا بهره برده‌است: ۱. نسخه کتابخانه خدابخش به شماره HI-3364 (مورخ ۱۱۲۰ق)؛ ۲. نسخه کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی دهلی نو به شماره ۲۳۵ (مورخ ۱۲۷۶ق)؛ ۳. نسخه کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن به شماره ۹۷ (کتابت سده ۱۳ق) (رک. سرخوش، ۱۳۸۹: ۲۵).

چاپ قزوه اگرچه از بسیاری جهات بر چاپ‌های قبلی کلمات الشعرا برتری دارد، اما هنوز کاستی‌ها و ایراداتی در آن به چشم می‌خورد که شماری از آن‌ها در این مقاله در چند گروه شامل صورت‌های نادرست، نسخه‌بدل‌ها، و اشکالات کلی و روش‌شناختی بررسی شده‌اند. نگارندگان، ضمن ارج نهادن کوشش‌های مصحح محترم، امیدوارند با اصلاح این موارد در چاپ‌های بعدی کلمات الشعرا، متن منقح‌تری از این اثر در دسترس محققان قرار گیرد.

۲. صورت‌های نادرست

مقصود از صورت‌های نادرست کلمات یا عبارات مغلوپی است که برخی از آن‌ها غلط‌های تایپی‌اند و برخی دیگر حاصل بدخوانی مصحح. نمونه‌هایی از این غلط‌ها ذکر می‌شود.

شماره صفحه) صورت صحیح: صورت مغلوپ

(۱۸ خوشگو: برخی تذکره‌نویسان، از جمله سرخوش، سن مرگ او را یک سال کمتر می‌نویسد...؛ متن درباره تاریخ مرگ سرخوش است و طبعاً خود او نمی‌تواند درباره این موضوع اظهار نظر کند. مصحح به سفینه خوشگو ارجاع داده‌است و از اینجا می‌توان دانست که تذکره‌نویس مذکور، خوشگو، مؤلف آن سفینه است.

(۳۴ افتاده: ... / برق جولان که در خرمن خاک افتاد است؟

(۳۵ کجا:

به یاد کعبه چه سر می‌زنی خدا اینجاست

به طوف مروه کجا کجا می‌روی؟ صفا اینجاست

(۳۵ می‌کشد: ... / کرشمه دامن دل می‌شد که جا اینجاست

(۳۹ عیبی به «به عیب خود نرسیدن» نمی‌رسد: ملأ محمدسعید اشرف ... در این مصرعه میرزا صائب: «عیبی به عیب خود نرسیدن نمی‌رسد». روبرویش دخل به‌جا کرده، گفت: یک «بای» دیگر می‌خواهد یعنی: عیبی به عیب خود نرسیدن نمی‌رسد.

(۴۱ لی و لک (برای من و برای تو):

چون زمین برخیزد از جو فلک نی شب و نی سایه باشد، نی دلک

(؛ رک. مولوی، ۱۳۶۳: ۲۰۳/۲)

(۴۵ تولد: ... تاریخ تولد میرزا اسمعیل ... «ز برج اسد رو نمود آفتاب» یافته و تاریخ متولد شرف‌یار، پسر کامگارخان «شرف‌یار کامگار» یافته.

(۴۷ استند؛ طاعتت:

بهبین طاعت حق نماز است، در وی گهی بنده ایستد، گه از پا نشیند

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۲۹

بُود طاعت فرض همچون نمازم بفرما گهی بنده را تا نشیند

(۴۷) پایه: گویند: وقتی که پیش نواب جعفرخان، نوکر شده، پایه‌ای در مجلس نشستن نداشت ...

(۴۸) کلاوت: روزی، نامدارخان و برهانی کلانوت، که منظور نظر عاطفت ایشان به درجه کمال بوده...؛ کلاوت (در فرهنگ آندراج «کَلانُوت») در زبان هندی نوعی مُطرب است و در متون معاصر سرخوش هم دیده می‌شود: «در این شب نوبت مونا نام کلاوت و سعدالله نام رباب‌نوازی بود که هر دو بی نظیر وادی خویشانند» (لاهوری، ۱۳۸۵: ۱۰۶؛ نیز رک. جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۲۶؛ بداؤنی ۱۳۸۰: ۲۹/۲). در صفحه ۶۷ همین متن نیز صورت صحیح کلمه آمده است.

(۴۹) از:

کم ظرفی ام از همت خویش است و گرنه دریاست می ریخته ار جام حبابم

(رک. بیدل دهلوی، ۱۳۷۶: ۲ / ۴۷۰)

(۵۱) زآن:

واعظ گفتا که نیست مقبول دعا زان زان دست که آلود به جام صهبا

(۵۵) را: ... / غم او عاقبت در پرده رسوا می کند ما ر

(۵۶) باشد:

مست نازی و سرِ خانه خرابی داری از سر کوچه ما می گذری، خوش باش

(۵۷) اندوه: کسی به حشر ز اندو پاک برخیزد

(۵۹) بلغزد: هر کنجا پایی بلغرد، جاده پیدا می شود

(۵۹) من:

ز دستگیری غربت به پاست جلوۀ منج چو موج ریگ روان گرد راه خویشتم

(۶۲) آب:

به دُر کی همتش دستی رساند که آبی بسته را ناپاک داند

(۶۳، ۶۲) جوال: جوال و ریسمان ...

۱۳۰ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

(۶۵) خواست: خرد خود است تاریخ فوتش ز دل

(۶۵) الحاح: هر چند الحال کردم، که دوساله طلب در سر کار است ...

(۶۶) بارِ زر:

گویند به مدح مار، زر می‌بخشد این بی‌همت، مرا جز آزار نداد

(۶۸) استغفرالله: استغفرالله

(۷۰) برگردیده: که بر گردید است از من چو مژگان هر سر مویش

(۷۳) - از: - از تو تا دوست یک نفس راه است

(۹۰) از:

ز وطن یاری نیامد با من شیدا برون آمدم مانند دست از آستین تنها برون

(۱۰۴) نقص ساز عزلت:

رشته‌داری در تعلق ساز نقص عزت است نغمه تار رگ گوهر، شکست قیمت است؛

بیت در متن بی‌معنی است و علاوه بر مصراع دوم، ضبط نسخه «ل» (عزلت به جای عزت) هم حدس ما را تأیید می‌کند.

(۱۰۴) پرگار: پای دیگر گرد آن از شوق چون پرکار گشت

(۱۰۶) ... / صبر ما بردند و ...:

آنچه کم از طاقت ما شد، به تمکینش فزود صبر

ما بردند در چشمش تغافل ساختند

(۱۰۶) داشتم:

یاد ایامی که از رنج تو راحت داشتمام بر دم شمشیر می‌خفتم، فراغت داشتم

(۱۱۳) چون: سحر چو جیب صبرم چاک شد، خود را همان دیدم

(۱۱۵) پُرتیر:

دور از چشم تو ننگشاید دل از بستان مرا می‌نماید ترکش پر، تیر نرگسدان مرا

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۳۱

(۱۲۶) زندان:

دیوانه‌ایم و بر ما، باشد لباس زندان زنجیر گردن ماست، زنجیره گریبان

صورت صحیح بیت در فرهنگ آندراج، ذیل «زنجیره» آمده است.

(۱۲۶) چون: چو تار سبحة نتوان، از هر دری درون شد ...

(۱۲۶، ۱۳۷، ۱۸۹) معزئ‌الیه (مشارئ‌الیه): خان معزالیه ...

(۱۲۷) خسرو، تو: ... من بنده چو خسرو و تو نظام‌الدینی

(۱۲۸) اول: میر نظام‌الدین احمد ... قصیده در نعت گفته بود، می خواند، چون به این بیت

رسید:

فخر دارم بر جنید و شبلی و بر بایزید از جنابت تا مرا گشته نظام‌الدین خطاب

محمد اخلاص و امق تخلص، حاضر بود، گفت: از اول از جنابت برآیید، بعد از آن با

بزرگان فخر کنید.

(۱۳۵) یوسف و زلیخا: مثنوی در زمین یوسف زلیخا بسیار رنگین و به طرز تازه گفته.

(۱۳۷) موزونی: حکیم میرزا محمد عالی تخلص ... غزل ردیف «جنگ» ... از دکن به

عبدالقادرخان، دیوان بیوتات شاهجهان آباد نوشته می‌بود. خان معزالیه، طرح کرده،

خود گفت و به فقیر تکلیف کرد. فقیر هم گفت. و دیگر هیچ موروثی در دارالخلافه نماند

که طبع آزمایی نکرد.

موزون یعنی شاعر و به همین معنی در نثر سرخوش (۱۳۸۹: ۴۷) هست. نجیب کاشانی

(۱۳۸۲: ۲۱۹) گفته است:

کارها می‌آید از من غیر موزونی، نجیب من نه آن سروم که کس از برگ‌وبارم بگذرد

(نیز رک. صائب، ۱۳۷۰: ۳۲۰۶/۶).

(۱۴۰) معنوی: میرکرم‌الله عاقل‌خان ... به کمالات صوری و معنی آراسته و به

اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده پیراسته؛ مقایسه کنید با این جمله در همین متن:

«به کمالات صوری و معنوی ممتاز، مولوی محمدسعید اعجاز» (سرخوش، ۱۳۸۹: ۳۷).

(۱۴۲) یکی:

۱۳۲ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

دانه‌های سبجه را مانند درویشان هند

گر گلی را سوی خود خواند کسی، صد می‌رسد

فقیر سرخوش چون خادم درویشان هند بود، از راه غیرت، این معنی را این قسم صورت داده، معقول بریست:

به رنگ دانه‌های سبجه را مانند درویشان هندوستان

اگر صد را بخواند کس، به جز یک‌یک نمی‌آید

بیت سرخوش ضبط «یکی» را تأیید می‌کند. البته مصراع نخست آن یک زکن (احتمالاً «هندوستان») اضافه دارد.

(۱۴۳) بر گشته:

به یاد داغ‌های کهنه دل دارد تماشایی بود طاوس را سیر چمن برگشته دیدن‌ها

(۱۴۳) می‌خورده:

طاقت برخاستن چون گرد نمناکم نماند

خلق می‌داند که می‌خورد است، مست افتاده است

(۱۴۶) بانزاکت: میانی با انزاکت همچو مور آن دلستان دارد

(۱۵۰) انتظار:

مرا قیامت و مردن به صورت دگر است مسافران عدم! انتظارم من مبرید

(۱۵۰) از:

ز شرم چشم مست تو خوبان نهفته‌اند در آستین چو غنچه نرگس پیاله را

(۱۵۱) عجز: عجز شکسته‌بالان، هم‌پنجه غرور است

(۱۵۳) ز وزن زر: زوزن زر فزاید بار دستار

(۱۶۶) می‌کنند: شیخ از روی تجاهل گفت که: شیعیان شما که میّت را وقت غسل،

گز می‌کند، به چه سند و سنت کیست؟

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۳۳

(۱۶۷) بی‌تابی‌ام: مبدا نامه بی‌تابیم را تر کنی قاصد

(۱۶۹) میان:

دریغا شعر رخت از دهر بر بست سخن با موسوی‌خان از جهان رفت ...
ز من باقیست سرخوش جوش عرفان پس از من خواهد این هم از جهان رفت

(۱۶۹) کشید:

کشیده آه و بگفتا عقل تاریخ معزالدین محمد موسوی رفت

(۱۷۲) خال؛ دلوی:

بر زنخدان تو خالی سیاهی افتادست همچو دیوی است که بالای چهی افتادست
(۱۷۲) در بر گرفت: این معنی به خاطر آورده ... پیش برادر خواندم، محظوظ شد،
مرا برگرفت.

(۱۷۵) نفسش:

غذای نفس، زهرِ فاقه داده غلط گفتم که نقشش مرده زاده

(۱۷۷) برآمد:

نی نی غلطم که آفتاب محشر یک نیزه برآمده و قیامت برپاست؛
همین بیت با صورت صحیح در صفحه ۱۷۲ تکرار شده است.
(۱۷۷) چو:

کردند چون کوفیان سوی شام روان بر نیزه سر حسین شاه دو جهان

(۱۸۴) ننمود؛ رفتارش:

جلوه‌اش بنمود از بس محو رخسارش شدم ناله‌ام نشنید از بس گرم استغنا گذشت
(رک. نظیری نیشابوری، ۱۳۴۰: ۸۹)

(۱۸۹) بیشتر: قماش کم غلامش بیشتر شد

(۱۹۵) مَلَم؛ همچون:

۱۳۴ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

قدم بر محلم افسون تکلیف وطن هر دم که همچو عضو از جارفته افزون می شود دردم
(۱۹۶) خمید: قد چون خمیده، جمله حواست زبون شود
(۱۹۷) دُرد و صاف حرف: دُرد حرف و صاف خاموشیست، لب خاموش دار!
(۱۹۹) است: شیشه از حیرانی دل کن که صهبا نازک استج
(۲۰۶) بر آن: به اعتمادالدوله تکلیف کرد که تاریخ بر آن آن بگوید.
(۲۱۱) مقابله نموده شد ماه شعبان المعظم سنه یکهزار و یکصد و بیست هجر[ی]
النبوی: مقابله نموده شد ماه شعبان سنه یکهزار و یکصد و بیست هجر[ه] النبوی
سنه المعظم.

۳. نسخه بدل‌ها

گزارش نسخه بدل‌ها و روایت‌های متفاوت نسخه‌ها اگر با کمال دقت و رعایت امانت انجام گیرد، کار خوانندگان و محققان متن در داوری درباره ارزش و اصالت دستنویس‌ها و قدرت فهم و اجتهاد مصحح در انتخاب ضبط اصیل و صحیح آسان خواهد شد. کار قزوه در این حوزه اشکالاتی دارد که به‌اجمال به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱.۳ گزارش ناقص

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، قزوه در تصحیح کلمات الشعرا از دو چاپ قبلی و سه دست‌نویس آن بهره برده است: (ل) چاپ صادقعلی دلاوری در لاهور؛ (م) چاپ محمدحسین محوی لکهنوی در مدراس؛ (س) نسخه کتابخانه خدابخش؛ (د) نسخه کتابخانه مرکز تحقیقات فارسی دهلی نو؛ (ص) نسخه کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن. نگارندگان به‌رغم تلاش بسیار تنها توانستند به چاپ محمدحسین محوی لکهنوی دست یابند و آن را با چاپ قزوه مقابله کنند. نتیجه، وجود اختلافات متعددی بود که از چشم قزوه دور مانده بود و این نشان می‌دهد که کار او در مقابله و گزارش اختلافات نسخه‌های دیگر نیز چندان قابل اعتماد نیست. نمونه‌های ذیل برخی از مهم‌ترین اختلافات «م» است که گزارش نشده و از قضا متن را اصلاح می‌کنند.

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۳۵

نبودی چون در آن دریا میسر کف خاکی که افشانند بر سر
به یاری از سر درد یتیمی سر (م: - سر) فرستادی گهر گرد یتیمی
(نیز رک. اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳: ۱۷۸)

(۴۶)

گلستان یکی بی سنبلستان یکی را بوستان کرده (م: گرد) گلستان

(۵۳) او را (م: + زود) از دیوان خاص بیرون کردند.

(۸۵) داراشکوه این بیتش را خوش کرده، طرح نموده:

تاک را سرسبز دار، ای ابر نیشان! در بهار قطره تا می می تواند شد چرا گوهر شود

(م: + هر کسی موافق طبع خود تلاشی کرده. پادشاهزاده نیز بیتی رسانده:

سلطنت سهل است، خود را آشنای فقر کن قطره تا می می تواند شد چرا گوهر شود).

(۹۱) ... خالی از تن چو حباب آمده پیرامن (م: پیراهن) ما

(۱۱۴) م: + شوکت بخاری؛ عنوان «شوکت بخاری» از متن افتاده و شرح احوال او با
شعیب، شاعر قبلی، درهم آمیخته است. ابیات بعدی، که در متن آمده، از شوکت است
(رک. شوکت بخاری، ۱۳۸۲: ۴۰۳، ۱۵۸، ۲۲۰، ...) و صحت ضبط «م» را تأیید می کند.

(۱۲۰) دو سال پیش از این، تاریخ (م: + فوت) حکیم صاحب را «صاحب وفات یافت»

یافته بودم.

(۱۸۲)

خون چکان است ملک، تیغ جفا، می ترسم که پی آخر به در خانه قاتل نرود

(م: برود؛ نیز رک. فرهنگ آندراج، ذیل «تیغ»).

(۱۹۶)

چنان زشتم که ترسم چشم رحمت بنگرد (م: ننگرد) سویم

مگر فردا کشد رنگ خجالت پرده بر رویم

(۲۰۵) فقیر سرخوش، تاریخ والده خود «فی جَنَّةِ عَالِيَةِ» یافته اند (م: یافته).

۲.۳ برتری بر متن

نسخه‌بدل‌ها غالباً صورت تصحیف‌شده یا مغلوط متن هستند یا دست‌کم از نظر صحّت و تناسب با بافت، در درجهٔ پایین‌تری از متن قرار می‌گیرند. در تصحیح قزوه این موضوع در همه‌جا رعایت نشده‌است و گاه حاشیه بر متن ترجیح دارد. به چند نمونه توجه کنید:

(۳۰) در هر تاریخی، احوال ایشان مسطور است و در هر تذکره ذکر هم (ص: همه) این‌ها مرقوم.

(۳۶) ظفرخان احسن ... تذکره اشعار شعرای کابل (ص، د، ل: کامل)، که با وی ربط آشنایی داشتند، مثل صائب و کلیم و سلیم و قدسی و سالم یزدی و قزوینی و میردانش و میرصیدی و غیرهم، که در آن زمان کوس سخنوری می‌نواختند، انتخاب هر کدام به خط او نویسانیده، بر پشت هر ورق (م، د: سرورق)، صورت آن معنی سنج نیز (م: + ترتیب کرده؛ د: + ترتیب نموده)؛ مقایسه کنید با این جمله در همین متن: «دیوانی ضخیم پُر از رطب و یابس ترتیب داده، بر پشت سرورق تصویر خود نقش کنانیده بود» (سرخوش، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

«سرورق» از اصطلاحات کتاب‌آرایی و به معنای نخستین ورق از کتاب است (رک. مایل هروی، ۱۳۷۲: ۶۷۷) و در آثار سده‌های دهم تا دوازدهم شواهدی دارد: «عن قریب آثار این مقال حیرت‌مآل بر لوح زمان و سرورق نسخهٔ دوران صفت وقوع پذیرفت» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۲۷۷؛ برای نمونه‌های بیشتر رک. مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۳۴ (آداب‌المشق)؛ تأثیر تبریزی، ۱۳۷۳: ۷۳؛ نجیب کاشانی، ۱۳۸۲: ۵۱۲).

(۳۹)

شکستم رنگ دل، آینه‌وار بی‌نشان جستم (م: آینه‌دار بی‌نشان گشتم)

دری بر روی خود وا کردم و محو تماشاایم

(۳۹) در خانهٔ میرمعز موسوی‌خان دیده‌ام، که نشسته با هم حرف می‌زند و سخنان همدیگر می‌شنود و می‌خواند (ص: می‌زدند ... می‌شنودند و می‌خواندند)

(۴۵) صاحب دیوان فخیم (م، د: ضخیم) بود؛ «دیوان ضخیم» چند بار در متن آمده است از جمله در صفحات ۷۳، ۷۴، ۱۲۲، ۱۷۰.

(۵۴)

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۳۷

در فضای عشق جانان، بوالهوس را کار (م، د: بار) نیست

هر سری شایسته سنگ و سزای دار نیست

(۸۵) در عهد شاهجهان پادشاه به هند آمده، هنگام (م، د، ص: هنگامه) سخنوری را گرم داشته؛ چند جا در متن (۱۰۹، ۱۱۳، ۱۳۷) همین تعبیر مشاهده می‌شود.

(۹۱)

به اندک تلخی اندوه، عشرت‌ها نمی‌ارزد

به تشویش حلال (د: خلال)، این نعمت دنیا نمی‌ارزد

میر شنیده، گفت که: لفظ «تلخی» بیجاست. همان ساعت، لفظ «کاوش» به جای آن رساند. الحق، اصلاح خوشی کرده، جانی از این لفظ در قالب شعر دمید. همچنان که سرخوش هم اشاره کرده، «کاوش» با «خلال» مرتبط است و این نکته صحت ضبط نسخه «د» را تأیید می‌کند.

(۹۹) ... شور محشر گوش بر آواز طبل ناز (س: باز) اوست

(۱۰۲) یک‌چند در عالم جوانی در پی دنیا و دولت (م، ص: در پی دولت دنیا) و تلاش منصب و جاه و جاگیر سرگردانی بسیار کشید.

(۱۰۳) کجاست دیده جویای و (ص، م: - و) ره کجاست تو را؛ مصراع با صورت صحیح در صفحه ۴۷ تکرار شده است.

(۱۲۳)

قدح کج کرده اشکی زآن بت پیمان‌شکن دارم

گل ابری به مژگان، یادگاری ز انجمن (د: زآن چمن) دارم

(۱۲۴)

غم افزون شود چون دیگران گریند بر عالم (د: حالم)

بلی دریا فزون می‌گردد از باران ساحل‌ها

(۱۳۲)

۱۳۸ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۳، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

«به کاوش مژه از گور تا نجف بروم» فکنده (د: فکند) تیر دعایی و بر هدف آمد؛
بیت را رونقی همدانی در ستایش عرفی شیرازی سروده و سخن عرفی را در
مصراع نخست تضمین کرده است.
(۱۳۴)

تن ز اشکم تا به گردون (م، د: گردن) غرق آب استاده است
سر به روی تن عیان همچون حباب استاده است
(۱۴۱)

چه یاری بهتر از کردار خیراندیش (د: کردار نیکِ خویش) می‌خواهی؟
چه حُسنی خوش‌تر از حُسنِ سلوکِ خویش می‌خواهی؟
(۱۴۵)

می‌نوازد ساز عیش آن دم که طالع (م، د: طامع) یافت قوت
باشد از پای مگس، مضرابِ تار عنکبوت
(۱۶۹) خندیده کرده (ل: خنده کرده)، گفت: به ترک دنیا مشهور شده‌ام.
(۱۷۸)

نگردد تا فغان من هم‌آواز گرفتاری
(د: نگردم با فغانی من هم‌آزاد از گرفتاری)
ز میل سرمه، صیاد مرا چوب قفس باشد

(۱۸۲)

ز کعبه آیم و رشک آیدم به خون بالی (ص، ل، م: خونابی)
که از زیارت دل‌های خسته می‌آید
(۱۹۷)

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۳۹

کوه و صحرا همه یک (ص: چون) لعل بدخشانی شد

رنگ گل بس که ز شوق تو بیابانی شد

(۲۰۶) تاریخ فارسی تاریخ اکبرشاه (ص، م: تاریخ فوت اکبرشاه): «الف کشید ملائک ز فوت اکبرشاه»

(۲۱۱)

دین احمد رساند بی شبهه و شک از تقویت شیر خدا شد (س: سر) به فلک

(۲۱۱)

بر حسب موافقت چو کردیم نظر

آمد به عدد نیز موافق یکسر

تلخی و غم، و یأس و هوس، سهو و حساب

عامی، اعمی، عشق و (ل، م: + دوست)، مهر و مادر

در حساب ابجد، عامی و اعمی (۱۲۱)، عشق و دوست (۴۷۰)، و مهر و مادر (۲۴۵)

باهم برابرند.

۳.۳ همسانی با متن

ضبط برخی از نسخه‌بدل‌ها با متن یکی است و نمی‌توان دانست که نسخه‌بدل‌های اصلی چه بوده است. نمونه‌هایی از این موارد در صفحات ۹۳ (شماره ۴)، ۱۳۱ (شماره ۸)، ۱۸۵ (شماره ۶) و ۲۰۷ (شماره ۶) دیده می‌شود.

۴.۳ ناهماهنگی با متن

ناماهنگی میان نسخه‌بدل‌ها و متن از دیگر نقایص این تصحیح است که خواننده و به‌ویژه پژوهنده جلدی متن را سردرگم می‌کند. نمونه‌ای از این ناهماهنگی، جابه‌جایی شماره نسخه‌بدل‌ها در متن است؛ مثلاً در صفحه‌های ۳۷ (شماره ۶)، ۴۸ (شماره ۲)، ۵۵ (شماره ۱)، ۷۳ (شماره ۱)، ۷۷ (شماره ۲ و ۳)، ۸۴ (شماره ۷)، ۹۳ (شماره ۳)، ۹۷

۱۴۰ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

(شمارهٔ ۵)، ۱۰۲ (شمارهٔ ۷)، ۱۰۶ (شمارهٔ ۸)، ۱۴۵ (شمارهٔ ۹)، ۱۴۸ (شمارهٔ ۳)، ۱۶۱ (شمارهٔ ۳)، ۱۶۹ (شمارهٔ ۶)، ۱۷۰ (شمارهٔ ۸)، و ۱۷۶ (شمارهٔ ۱).

نمونه‌های زیر هم نوع دیگری از این ناهماهنگی و اشتباه در گزارش نسخه‌بدل‌ها است که با حدس و گمان می‌توان به صورت صحیح برخی از آن‌ها پی بُرد:

(۵۳) بایدش (د: - باید)

(۶۵) هیچ نبردی (م: - قطعه نبردی)

(۸۶) دین پردهٔ روی تُست، دین (ص: وی پردهٔ روی دین) را چه کنم

(۹۴) درد سر کیفیت مخمور (ص، متن س، ل، م: پیمان. ضبط، موافق حاشیهٔ «س» است؛ د: پیمانه - را) را فرزانیگی است

(۹۵)

بس که گل سر زده از هر سر خار ماهی کوچهٔ موج به دریا چو خیابان گل است
(س، د: بس که ... گل است)

(۱۳۶)

الهی! ذرهٔ دردی به تن ریز شرر در پنبه‌زار موی من ریز (د: - سرخوش)

(۱۷۴)

سخن گر عالم از حسن ادا گردید تسخیرش خموشی لطف‌ها دارد که نتوان کرد تقریرش
(د، ص: سخن ... تقریرش)

(۱۷۸)

ز دست طالع ناساز خویش رسوایم

سیاه‌بختی من همچو (د: - هرچه) مشک بو دارد

(۱۹۷) دُرد حرف و (د: - در) صاف خاموشیست، لب خاموش دار!

(۲۰۵) تاریخ گریختن سیوا مقهور از پیشگاه حضور پرنور (ص: - گریختن سیوا از حضور)

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۴۱

یک نمونه جالب توجه هم نسخه بدل شماره ۱۶ در صفحه ۲۱۱ است که اصلاً در حاشیه نیامده است.

۴. اشکالات کلی و روشن شناختی

گذشته از اشکالاتی که پیش از این آن‌ها را برشمردیم، نقص‌های کلی دیگری نیز در تصحیح قزوه وجود دارد که در اینجا به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱.۴ تفاوت ضبطها در مقدمه مصحح

بزرگ‌ترین ایراد مقدمه مصحح تفاوت ضبطها در مطالبی است که از متن کتاب نقل شده است. این تفاوت تقریباً در همه مطالب منقول از متن (از جمله در صفحه‌های ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ...) دیده می‌شود. ظاهراً مصحح مقدمه را پیش از اتمام کار، با استفاده از چاپ‌های سنگی کلمات الشعرا تألیف نموده و بعداً فراموش کرده است آن را با متن مصحح خود مطابقت دهد.

۲.۴ جابه‌جایی و آمیختگی بخش‌ها

(۴۶) دو ماده تاریخ از ملا بیخود نامدارخانی با قطعه‌ای دیگر از او درهم آمیخته است، ضمن این‌که در همین قطعه، بیت اول و دوم جابه‌جا شده‌اند:

چنین تاریخ، هرگز کس نگفته کس از هند و عرب یک نغمه نشفت
به من گفتند تاریخی ادا کن که سازد سال هندو با عرب جفت ...

(۴۷) دو مصراع اول و سوم از قطعه سرخوش در ماده تاریخ وفات ملا بیخود درهم آمیخته‌اند:

رفت جامی بیخود از عالم سجع او در ریاض جنان، مخلص شد
بعد فوت شد تاریخ: «جامی از جام حمد بیخود شد»

صورت صحیح بیت چنین است:

رفت جامی بیخود از عالم در ریاض جنان، مخلص شد

۱۴۲ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

سجع او بعد فوت شد تاریخ: «جامی از جام حمد بیخود شد»

(۵۱) مصراع‌های بیت سرخوش (صورت قد دوتا آیینۀ ...) جابه‌جا شده است. در نسخه‌های «د» و «م» صحیح است.

(۱۰۶) در میان ابیاتِ غزلی از سرخوش، بیتی «فرد» از او آمده است.

(۱۲۴، ۱۲۹، ۱۵۳، ۱۶۱) شاعران ذیل حروف «ض»، «ظ»، «ق»، «گ» جدا نشده‌اند.

(۲۰۳) سه بند اول که ذیل [خاتمه] آمده، مربوط به پیش از آن است. مصحح متوجه عنوان «خاتمهٔ تذکره» در متن نشده و بند چهارم را چنین آورده است: «خاتمهٔ تذکره، گلدسته‌ای است از گلزار معانی رنگین، و مجموعه‌ای است از ابکار افکار دلنشین...». صورت صحیح باید چنین باشد:

خاتمهٔ تذکره

[ظ: این] گلدسته‌ای است از گلزار معانی رنگین، و مجموعه‌ای است از ابکار

افکار دلنشین... ..

(۲۰۴) دو بخش «تواریخ» و «خاتمهٔ تذکره» از یکدیگر تفکیک نشده‌اند.

۳.۴ تکرار

(۱۳۸) دو بیت از میرزا محمد عالی تخلص در توصیف فیل (به رنگ تن و هر دو ...) به اشتباه ذیل اشعار سرخوش تکرار شده است.

(۱۴۸) بیتی از فصیحی با غلط تایی و ضبط متفاوت در این صفحه تکرار شده است:

فصیحی

ما توأمیم با گل رعنا در این چمن در ریاض جنان، مخلص شد

فصیحی

ما توأمیم با گل رعنا درین چمن کز خون پُریم و رنگ به بیرون نمی‌دهیم

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۴۳

۴.۴ نداشتن تعلیقات و ناقص بودن نمایه‌ها

توضیح واژه‌های دشوار و اصطلاحات کم‌کاربرد در پانویشت یا بخشی مجزا با عنوان تعلیقات از ضروریات تصحیح متون کهن و یاریگر خواننده در درک و دریافت بهتر متن است. این امر به‌ویژه در مورد متنی مانند کلمات الشعرا بیشتر ضرورت دارد، زیرا این کتاب در اقلیمی غیر از موطن اصلی زبان فارسی، یعنی هند، نوشته شده و لغات، ترکیبات و تعبیرات خاص فارسی‌گویان هند در آن به‌کار رفته که برای فارسی‌زبانان امروزی نامفهوم است. مصحح محترم نه تنها به توضیح این موارد نپرداخته، بلکه حتی آن‌ها را در نمایه‌های پایان کتاب هم فهرست نکرده است. نمونه‌های ذیل را ببینید:

(۳۵) ... خوب است که این پسر را برای ما تنه کنی.

تنه کردن: رام و مطیع کردن کسی برای تن دادن به عمل جنسی (بهار، ۱۳۸۰:

ذیل «تنه»).

(۴۵) در تاریخ‌یابی کارهای دست‌بسته می‌کرد.

کار دست‌بسته: کار عجیب و غریب (رامپوری، ۱۳۷۵: ذیل «دست‌بسته»؛ شواهدی نیز در متون عصر صفوی دارد: «حضار مجلس بهشت‌آئین و باریابان صحبت فیض‌آگین، از این کار دست‌بسته، غریق حیرت و تعجب گشته، زبان به مدح و ثنا و لسان به مدحت و دعا گشادند (حسینی منشی، ۱۳۹۶: ۲۹۷؛ نیز رک. صائب تبریزی، ۱۳۷۰: ۳۲۳۳/۶).

(۴۸، ۶۸) کلاونت (رک. همین مقاله، صورت‌های نادرست، توضیحات مربوط به

صفحه ۴۸).

(۶۶) یک امیر در عهد ما نواب بخشی الممالک روح‌الله خان مرحوم بود که هجوکننده خود را نهال کرده ... یک اسب و خلعت خاصه و هزار روپیه از طرف خود انعام داده، رخصتش فرمود.

نهال کردن: مجازاً کامیاب کردن (رامپوری، ۱۳۷۵: ذیل «نهال»).

(۱۳۷) خیر شُنقار شدن عالم‌گیر پادشاه رسید. طرفه هرج و مرج در عالم پیدا شد.

شُنقار شدن: مُردن، درگذشتن (محمد پادشاه، ۱۳۳۶: ذیل «شُنقار»؛ شواهدی نیز در

متون هم‌دوره کلمات الشعرا دارد: «بعد از رحلت حضرت عرش‌آشیا و شُنقار شدن ایشان

۱۴۴ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

مثل این دو قضیه، که فوت مادر قطب‌الدین کوکه و شهادت یافتن او بوده باشد، بر من نگذشته است» (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۶۶؛ نیز رک. علامی، ۱۳۷۲: ۱/۱۹۶).

۵. نتیجه‌گیری

کلمات‌الشعرا، اولین بار در سال ۱۹۴۲م در لاهور، سپس در سال ۱۹۵۱م در مدراس و آخرین بار در سال ۱۳۸۹ به تصحیح علی‌رضا قزوه در تهران منتشر شده است. قزوه در تصحیح کلمات‌الشعرا از دو چاپ قبلی و سه دستنویس آن بهره برده است و طبعاً انتظار می‌رود چاپ او از چاپ‌های پیشین بهتر و بی‌نقص‌تر باشد. با این حال، مقایسه متن مصحح او با چاپ‌های قبلی در این مقاله حاکی از این است که چاپ قزوه اگرچه از برخی جهات نسبت به چاپ‌های قبلی برتر است، کاستی‌ها و ایراداتی نسبتاً چشمگیر هم در آن مشاهده می‌شود، از جمله: کلمات یا عبارات مغلوط، گزارش ناقص نسخه‌بدل‌ها، برتری نسخه‌بدل‌ها بر متن، همسانی نسخه‌بدل‌ها با متن، ناهماهنگی نسخه‌بدل‌ها با متن، تفاوت ضبط‌ها در مقدمه مصحح، جابه‌جایی و آمیختگی بخش‌ها، تکرار، نداشتن تعلیقات و ناقص بودن نمایه‌ها. اصلاح این موارد در چاپ‌های بعدی کلمات‌الشعرا، متن منقح‌تری از این اثر در دسترس محققان قرار خواهد داد.

کتاب‌نامه

- اشرف مازندرانی، ملا محمدسعید (۱۳۷۳). دیوان، تصحیح محمدحسن سیدان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله (۱۳۵۰). نقاوه‌الآثار، تصحیح احسان اشراقی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر آثار.
- بداونی، عبدالقادر (۱۳۸۰). منتخب‌التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بنارسی، علی ابراهیم خان خلیل (۱۳۸۴). صحف ابراهیم (بخش معاصران)، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بهار، لاله‌تیک چند (۱۳۸۰). بهار عجم، تصحیح کاظم دزفولیان، تهران: طلایه.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۷۶): کلیات، تصحیح اکبر بهداروند و پرویز عباسی داکانی، تهران: الهام.

تأملی در کلمات الشعرا (عباس بگجانی و سید محمد صاحبی) ۱۴۵

تأثیر تبریزی، محسن (۱۳۷۳). دیوان، تصحیح امین پاشا اجلالی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد (۱۳۵۹). جهانگیرنامه، تصحیح محمد هاشم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

حسینی منشی، محمود (۱۳۹۶). تاریخ احمدشاهی، تصحیح محمدسرور مولایی، تهران: عرفان.
خوشگو، بندرآبن داس (۱۳۸۹). سفینه خوشگو (دفتر دوم)، تصحیح سید کلیم اصغر، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

رامپوری، غیاث الدین محمدبن جلال الدین (۱۳۷۵). غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.

سرخوش، محمد افضل (۱۳۸۹). کلمات الشعرا، تصحیح علیرضا قزوه، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

شوکت بخاری، محمداسحاق (۱۳۸۲). دیوان، تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوس.
صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۷۰). دیوان، تصحیح محمد قهرمان، ج ۶، تهران: علمی و فرهنگی.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۸، تهران: فردوس.
علامی، ابوالفضل مبارک (۱۳۷۲). اکبرنامه، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲، تهران: کتابخانه سنایی.
گویاموی، محمد قدرت الله (۱۳۸۷). نتایج الافکار، تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

لاهوری، عبدالستاربن قاسم (۱۳۸۵). مجالس جهانگیری، تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، تهران: میراث مکتوب.

مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). کتاب آرایبی در تمدن اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
محمد پادشاه (۱۳۳۶). فرهنگ آندراج، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه خیام.
مشار، خانابابا (۱۳۴۰-۱۳۴۴). مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۶، تهران: شرکت سهامی چاپ رنگین.

مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۳). مثنوی معنوی، تصحیح رینولد. انیکلسون، به کوشش نصرالله پورجوادی، ج ۳، تهران: امیرکبیر.

نجیب کاشانی، نورالدین محمدشریف (۱۳۸۲). کلیات، تصحیح اصغر دادبه و مهدی صدری، تهران: میراث مکتوب.

۱۴۶ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۳، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

نظیری نیشابوری، محمدحسین (۱۳۴۰). دیوان، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: کتابخانه‌های امیرکبیر و زوار.

تقوی، سید علیرضا (۱۳۴۳). تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران: مؤسسهٔ مطبوعاتی علمی.

هاشمی سندیلوی، احمدعلی‌خان (۱۹۷۰م). مخزن‌الغرائب، ج ۲، تصحیح محمدباقر، لاهور: دانشگاه پنجاب.